

جوانان ایران و عرفان های نوظهور

میثم علی بالائی^۱

چکیده :

در سال های اخیر مشاهده شده است که عرفان های زیادی در سراسر جهان به وجود آمده اند که توانسته اند جوانان زیادی را به سمت خود جذب کنند سوالی که در این جا به وجود می آید آن است که این نوع عرفان ها چه اقداماتی انجام داده اند که توانسته اند به چنین هدفی نایل گردند؟ در این مقاله سعی شده است تا به اقداماتی که این نوع مکاتب انجام می دهند به صورت اجمالی اشاره گردد تا ضمن آشنایی مبلغان با مباحث جذاب مکاتب عرفانی برای جوانان و شیوه های تبلیغاتی آنان زمینه گسترش عرفان اسلامی فراهم گردد چرا که مهم ترین نکته ای که باید در ابتدا در مقابله کردن با عرفان های نوظهور در نظر گرفت شناخت واقعی آن مکاتب و شیوه های تبلیغاتی آنان است و این که چه عواملی باعث شده است که جوانان بسیار زیادی به سمت آنان گرایش پیدا کنند تا بتوان برای آن راهکارهایی سنجید بدیهی است با رعایت نکات ذکر شده تا حد زیادی با یاری خدا می توان در مقابل این تهاجم فرهنگی و نفوذ عرفان های نوظهور در ایران واکسینه شد

Abstract

In recent years has been observed that a lot of mysticism have been around the world who have been able to attract many young people. The question that arises here is that this type of mysticism: What measures have done that this goal could be achieved? In this article we have tried to carry out actions that this type of school for a brief mention that Missionaries to learn the mystical schools with attractive topics for the young and expanding their advertising practices of Islamic Sufism provided Because the most important thing that must first be considered in dealing with emerging mysticism actual knowledge of schools and their advertising practices and what factors led many young people to find their orientation to be measured for solutions. Compliance with disclosure to a large extent can be with God's help against the cultural invasion and the emerging influence of Sufism in Iran were vaccinated

کلمات کلیدی :

عرفان ، نوظهور ، گرایش جوانان ، مکاتب عرفانی ، آسیب های دوره جوانی

مقدمه

1- دکتری عرفان اسلامی و عضو باشگاه پژوهشگران جوان

در دهه های اخیر شاهد رشد فرقه های عرفانی در سطح جهانی بوده ایم که کشور ما نیز تحت تاثیر آنها قرار گرفته است. عواملی همچون رشد ارتباطات و اطلاعات، سرخوردگی از عقلانیت مدرن، شکست نظامهای مادی، فراغت بیشتر، تنوع طلبی، برنامه های نظامی و اطلاعاتی، افزایش تحیر بشر و عوامل دیگر برایجاد گرایش به عرفانهای نوظهور افزوده است.

ما در عصر بازگشت انسان به معنویت یا بازگشت معنویت به زندگی بشر به سر می بریم؛ اما نگاهی به روند شتاب زده و گسترده معنویت گرایی که بیش از چند دهه از عمر آن نمی گذرد، به وضوح نشان می دهد با پدیده انفجار معنویت رو به رو هستیم. انسان مدرن که به سختی، دور از معنویات نگه داشته می شد و در تمدنی زندگی می کرد که غیر از جهان و زندگی مادی برای چیز دیگری ارزش قائل نبود، حریص، عجول و عنان گسیخته به معنویات روی آورده و همانند مردمانی که در قحطی به سر می برند و انبار نانی یافته اند، سنت های کهن عرفانی و معنوی را برگرفته، هر کس تکه یا تکه هایی از مکاتب مختلف را چنگ زده، می کوشد روح تشنه خود را با آن سیراب کند.

در دنیای امروز که مرزهای فرهنگی کمرنگ شده و سواره نظام و پیاده نظام رسانه ای، ابر فرهنگ غرب را در جهان می گستراند، جهان اسلام نیز از حضور این جریان های هزار رنگ منزّه و پاک نمانده است؛ از این رو مطالعه نقادانه این فرقه ها - به ویژه آنها که در ایران پرکارترند - ضروری است و کوتاهی در این امر زیان های جبران ناپذیری را به فرهنگ و سایر ساحت های حیات اجتماعی وارد خواهد کرد.

اما آنچه که سعی شده در این مقاله به آن توجه شود، به نوعی آسیب شناسی گرایش جوانان به این مکاتب است، که قشر آسیب پذیر و نسل آینده تمام ملل و ایران اسلامی است، تا شاید بتوان در راستای آگاهی بخشی و شناخت در این موضوع و درک هرچه بیشتر اهمیت آن، بیش از پیش برای جلوگیری از نفوذ این مکاتب تلاش نمود. از آنجایی که پتانسیل نیروی جوانی، این فرقه هارا تشنه تر از دیگر اقشار برای به دام انداختن جوانان در دامان خودشان قرار داده، ضروری است با تحقیقات و پژوهش های علمی دیگری در این زمینه بتوان برای جلوگیری از این سوء استفاده گام های دیگری برداشت.

بیان مساله و اهمیت تحقیق

درجهان معاصر بعد از وقفه ای نسبتاً طولانی که درجهان غرب نسبت به معنویت رخ داد هم اینک ما شاهد علاقه وگرایش زیاد مردم به معنویت هستیم. ازجمله شواهد این گرایش را می توان به آثار معنوی (فیلم، کارتون، کتاب، رمان، و موسیقی و...) خلق شده دراین زمینه و گرایش وسیع مردم به آنها اشاره کرد و همچنین رونق محافل و مجالس مربوط با معنویت نمونه این گرایشات را درکشور خودمان مثلاً درچاپ فراوان کتب عرفان چه اصیل و چه بدیل مانند: زندگی بزرگان، طالع بینی، کف بینی، جن گیری، پیش گوئی و ...دید اما علل مجدد گرایش بشر به معنویت چیست؟ و مساله اصلی آنجاست که با وجود ادیان الهی چه عواملی سبب شده است که جوانان به ویژه جوانان ایرانی به سمت این مکاتب گرایش پیدا کنند و به آن جذب شوند؟

برای پاسخ به این مساله سوالاتی مطرح می گردد که باید پاسخی درخور برای آن یافت شود اولین سوالی که به ذهن می رسد آنست که آیا واقعا تمامی ابعاد ادیان الهی به طور دقیق بیان شده است که جای هیچگونه ابهام و شکی را

نگذاشته باشد؟ آیا مبلغان ادیان به خوبی با اوضاع جامعه آشنا هستند تا مطالب به روز و مناسب را از ادیان الهی خارج کنند و به نسل جوان ارائه نمایند؟ عرفان های نوظهور با چه تکنیک هایی توانسته اند جوانان را به سمت خود جذب نمایند؟ خصوصیات و عوامل تحریک نسل جوان کدامند؟ زبان بیان مطالب باید چگونه باشد تا مورد استقبال نسل امروزی قرار بگیرد؟ به نظر می رسد عدم توجه به نیازهای جوانان و عدم درست معرفی عرفان اسلامی راه را برای گرایش جوانان به عرفان های نوظهور فراهم نموده است.

بدیهی است این مقاله که با تحقیق و بررسی به پاسخ این پرسش ها پرداخته است می تواند گامی در جهت شناسایی نیازهای جوانان امروز و پاسخ به نیازهای آنان به شکل صحیح باشد به گونه ای که با برطرف شدن این نیازها راه را برای نفوذ عرفان های نوظهور که مدعی برطرف کردن آن نیازها هستند بسته شود و از این حیث این تحقیق و تحقیقات مشابه آن می تواند بسیار کارگشا و پراهمیت باشد

برای انجام این تحقیق روش کتابخانه ای و با بررسی کتب معتبر مورد استفاده قرار گرفته است

علل و عوامل گرایش

از آنجایی که عوامل موثر در هر فردی از اجتماع، از دو عامل بیرونی و خارج از محدوده نفسی فرد و عامل درونی تشکیل می شود، لذا در این مقاله سعی شده تا حد امکان این دو عامل تجزیه شود و در دوفصل جداگانه هر یک شامل زیر مجموعه های خود باشند؛ عواملی که از اجتماع و پیرامون افراد آنان را متأثر میکنند، «عوامل برون زا» و عواملی که از شخصیت حقیقی فرد نشأت میگیرند، «عوامل درون زا» نامیده می شوند.

1. فطرت جوانی

فطرت انسانی یعنی ویژگی های ذاتی که در آفرینش انسان لحاظ شده است. بینش ها و گرایش هایی که اکتسابی نیستند و در سرشت انسان قرار دارد، فطری نامیده می شوند. راغب اصفهانی می گوید: فطر ایجاد و ابداع یک چیز بر هیأت و کیفیت خاصی است که اقتضای فعلی از افعال را دارد؛ پس این آیه شریفه که می فرماید: «فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»، فطرتی است که خداوند انسان ها را بر آن آفریده و اشاره است به این که مردم را به گونه ای خلق و ایجاد کرده است که معرفت و شناخت خدا و ایمان به او در آن ها وجود دارد (سجادی، 1366، ج 2، ص 77) علامه طباطبایی بعد از آن که دین را روش زندگی و نشان دهنده سیر سعادت معرفی می کند، می گوید: پس برای انسان آفرینش خاصی است که او را به روشی خاص در زندگی و مسیر معینی که دارای غایت و هدف مشخصی است هدایت می کند که بدون پیمودن این مسیر، به آن هدف نمی رسد و این هدایتگر و هادی، چیزی جز فطرت و کیفیت خلقت انسان [که در همه انسان ها وجود دارد و تغییر و تحول نمی پذیرد] نیست و بدین سبب [قرآن] به دنبال تعبیر «فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»، فرمود: «لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ»؛ در آفرینش الهی دگرگونی نیست (شریفی، 1388، ص ۲۳)

انسان ها از لحاظ فطری نیاز به ارتباط با موجود برتر را دارند و این موجود برتر در بیان ادیان الهی خداوند است که پروردگار و خالق آسمان ها و زمین و موجودات دیگر از جمله انسان است و از آنجا که قشر جوان پاک و خالی از زنگار

و نفسانیت هایی است که بزرگسالان در طول سالیان عمر خود به آن مبتلا می شوند، پس این شوق و نیاز به ارتباط با موجود برتر در جوانان بیشتر از اقشار میانسال یا کهن سال جامعه است، به این خاطر امکان گرفتار شدن جوانان در دام صیادان شاید که آگاهی کامل از این فطرت حقیقت جوی جوانی دارند بسیار است.

امام علی علیه السلام مدل جوان را چونان سرزمین آماده و پاکی میداند که هر بذری در آن افشانده شود همان را قبول میکند و رشد بسیاری می کند. «وَأِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ» (طبابایی، تفسیر المیزان، جزء 18، سوره ذاریات، آیه 56) و دلیل این قبول و اجازه بذر پاشی در دل جوان همان شوق و اشتیاق وی به معنویت است که از فطرت پاک جوانی سرچشمه میگیرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نیز فرموده است: «أَوْصِيكُمْ بِالشَّبَابِ خَيْرًا، فَإِنَّهُمْ أَرْقَ أَفْئِدَةً...» "شما را به نیکی درباره جوانان سفارش می کنم. به درستی که قلوب آنان نرمتر و مهربانتر است." (برای پذیرش فضیلتها آماده تر است).^۱

پیش از همه فطرت خداگرا و معنویت جوی انسان علت پیدایش این فرقه ها و گرایش گروهی از مردم به سوی آنهاست. انسان همواره نیاز به معنویت و ارتباط با ماوراء جهان مادی دارد. هیچ کس نمی تواند خود را تنها سرگرم دنیا و امور دنیوی کند. حتا کسانی که موفقیت های زیادی در زندگی به دست می آورند، پس از مدتی از آن خسته و دلزده شده و گویا گم کرده ای دارند که به درستی نمی دانند چیست. پس انسان ها در هر شرایطی در جستجوی فراروی از محدودیت جهان مادی هستند، اگر معنویت حقیقی را پیدا کنند که بهره مند خواهند شد، در غیر این صورت سرابی از معنویت برای خود می سازند و به سوی آن حرکت می کنند. یکی از اساسی ترین عوامل در مورد افزایش دین های نوظهور فطری بودن بحث پرستش در نهاد انسان هاست که در شرایط مختلف اجتماعی سعی در جهت راهی برای ارضای این نیاز پیدا می کند حال ممکن است این پرستش و سرسپردگی به صورت صادق یا کاذب در مورد دین و یا شخص خاصی جلوه کند .

2. مشکلات عقیدتی و فکری

برخی نیز به دلیل مشکلات عقیدتی و فکری که منشأ آن ها معرفت شناختی آن هاست، به این فرقه ها، گرایش می یابند؛ نگاه این گونه افراد به خداوند، نگاه معرفت شناسانه نیست، اعتقاد به نبوت و وحی در آن ها، دچار ایرادی اساسی است، برای آن ها در نظام ارزشی، توجیهی برای اخلاقیات وجود ندارد و تمام این عوامل در مثل شیطان پرستی جمع می شود که در آن ها نه معاد، نه توحید و نه هیچ ارزش دیگری معنا ندارد.

در ایران گرایش به این فرقه ها به دلیل منشأ شناختی، بسیار کم دیده شده است؛ عمده دلیل گرایش برخی از جوانان به این فرقه ها، بیشتر از سر لهو و لعب است که متأسفانه، بدون این که هیچ گونه شناختی از عقاید اصلی این فرقه های منحرف داشته باشند، به دام آن ها گرفتار می شوند. در آیه ای از قرآن کریم آمده است که «سرنوشت کسانی که اعمال زشت و ناشایست انجام می دهند، تکذیب آیات خداوند از سوی آن هاست»

3. نیاز به هویت یابی

نیاز به هویت یابی و شکل گیری تصور از خویشتن باعث می شود که جوانان به گروه ها و افکاری که توانایی هویت بخشی دارند، گرایش پیدا کنند. گروه های معنوی که نوعی جهان بینی، انسان شناسی و ارزش های خاصی را مطرح می کنند استعداد شکل دهی به هویت جوان را دارند و از این رو با استقبال از سوی آنان مواجه می شوند.

4. میل به متفاوت بودن

عده ای از جوانان که میل به متفاوت بودن از بقیه افراد دارند، به قصد جلب توجه دیگران، وارد این مکتب ها می شوند، حال آن که از حقیقت آن ها هیچ گونه اطلاعی ندارند و نمی دانند اساساً جهان بینی این فرقه ها چیست.

5. میل به بی بندوباری و عدم پاسخگو بودن

بعضی از کسانی که به دنبال ارتباطات نامشروع هستند، لهو و لعب را در این فرقه ها می بینند و به همین دلیل برای دست یابی به لذت های زود گذر، به این مکاتب گرایش پیدا می کنند. همسو بودن این معنوبتهای نوظهور با لذت طلبی انسان امروزی، که لذت و شادی را در همه ابعاد زندگی، حتی معنویت جستجو می کند، می تواند یکی دیگر از علل گرایش به این عرفانها معرفی گردد. از آنجایی که عرفان اصیل با افسار گسیختگی و هوای نفس مبارزه می کند و کمتر کسی همت آن را دارد، بنابراین عرفان راستین مشتریان زیادی پیدا نمی کند. در مقابل، در بسیاری از این گروه ها این طور نشان داده می شود که از راه پیروی از هوای نفس، مواد مخدر، الکل و شهوت می توان به معنویت رسید. از این رو با توجه به نیاز معنوی افراد و غرایزشان و همینطور فقدان اطلاعات کافی در این مسیر دعوت آنان پذیرفته می شود؛ مگر کسانی که به حدی از رشد و معرفت رسیده باشند که راه را از بیراهه تشخیص دهند.

مباحث جنسی و سکس یکی از مباحث مطرح در این عرفانهاست که گاهی رد و گاهی خود ایزاری برای وصول به حقیقت شناخته می شود، اصولاً در این عرفانها بعضاً نظریاتی درباره رابطه جنسی داده می شود که امکان سوءاستفاده های جنسی را افزایش می دهد، درباره خود اشو اسناد سازمان اتباع خارجه آمریکا که وزارت امور خارجه هند نیز آنها را تأیید کرده است نشان می دهد که اشو به دلیل فساد اخلاقی از آمریکا اخراج شده است^۱.

اما «کوئلیو» درباره نقش نیرویی جنسی در وصول به مقامات عالی عرفانی و معنوی می گوید: برای تحقق تشریف، باید با این نیرو آشنا شوی... پس چطور با آن روبه رو شوم؟ یک فرمول ساده است... فرمول این است در تمام مدت رابطه جنسی خود، از حواس پنج گانه ات استفاده کن. اگر در لحظه اوج لذت جنسی، همه این حواس با هم از راه برسند، برای تشریف پذیرفته می شوی.

در برخی از این عرفان ها از رقص و یا مصرف مواد مخدر برای نزدیکی به خداوند یا رسیدن به آرامش استفاده می شود مثلاً اشو می گوید: اگر مردم بتوانند کمی بیشتر به رقص بپردازند، کمی بیشتر آواز بخوانند، کمی بیشتر لوده باشند، انرژی آنها بیش از پیش به جریان افتاده، و مشکلاتشان به تدریج ناپدید خواهد شد، به همین دلیل من این قدر بر شاد

زیستن اصرار دارم؛ شادمانی تا حد از خود بی خود شدن (اشو، 1380، ص 74) مثلاً در مکتب کاستاندا و یا در اندیشه های پائلو کوئلیو شما نشانه هایی از استفاده از مواد مخدر می بینید.

دالای لاما (رهبر در قید حیات بودائیان) شادی را هدف زندگی معرفی می کند و بزرگ ترین آرزوی خود را خوراکی خوب و خوابی راحت اعلام می کند (دالایی لاما، 1381، ص 155).

6. میل به قدرت

برخی از افراد نیز هستند که به دلیل تمایل به کسب قدرت به فرقه هایی مانند شیطان پرستی گرایش می یابند؛ آن ها معتقدند که شیطان مظهر یک سری از قدرت هاست و به همین دلیل می تواند بخشی از قدرت خویش را به برخی از پیروانش انتقال دهد؛ به همین دلیل برخی از کسانی که حس قدرت طلبی در وجودشان پررنگ است، فکر می کنند با ورود به این مکاتب حس آن ها تا حد زیادی پاسخ داده خواهد شد.

7. میل به مد گرایی

برخی از افراد نیز تنها به دلیل میل به مد گرایی و متفاوت بودن به این فرقه ها روی می آورند و وقتی که وارد این فرقه شدند، با شبهاتی که از طریق همین فرقه برایشان به وجود می آید، ممکن است در بحث های معرفت شناختی نیز، دچار اشکال شوند.

8. عقده های جوانی

افراد برای سرپوش گذاشتن بر خیلی از عقده های شخصی بوجود آمده در دوران مختلف زندگی، به سراغ این عرفانها و معنویتهای نوظهور میروند، برای مثال پسر و یا دختری که در جامعه امروز برای عقب نیفتادن از رفقای خود، به سمت و سوی دوستی های ناسالم می رود، و با وجود عدم میل باطنی خود و فشار خانواده دست به بعضی از کارها میزند، دچار عقده ای میشود که برای درمان آن در دین مبین اسلام سفارشات شده است، اما از آنجایی که به طرف دین ناب رفتن برایش سخت جلوه میکند، آن هم به دلیل نداشتن اطلاعات کافی و لازم در مورد دین، برای خلاصی خود از تبعات عقده هایش، به سراغ برخی از معنویت های نوظهور که در راستای اعمال نادرست او می باشد می رود، و در آخر هم بیشتر از اول پشیمان و سرخورده می شود.

او در واقع با این کار می خواهد عذاب وجدان خود را کم کند، و به خود بیاوراند که کارهایش ضد خدا نیست و خدا از او ناراضی نبوده و این مسأله را در زیر پرچم این معنویتها جستجو میکند، و برای رسیدن به آرامشی خیالی و مملو از توهم که همراه با لذت معرفی شده است، تن به دستورات این معنویت های ناسالم می دهد.

9. عدم شناخت کافی نسبت به اصل دین و معارف والای آن

9-1. عدم معرفی دین حقیقی

با تغییرات شگرفی که در بعد از رنسانس و جهان مدرن معاصر اتفاق افتاده عدم معرفی دین های کهن به صورت به روز، باعث گرایش به ادیان نوظهور گشته است، تا شاید عطش حقیقت خواهی خود را از جایی دیگر سیراب کنند، حتی اگر این تلاش در مسیر سربایی بیش نباشد و چشمه حیات در پشت لایه هایی از غبار پنهان باشد.

از سوی دیگر مراکز فرهنگی و متولیان دینی جامعه ما نتوانسته اند آنگونه که باید ابعاد مختلف و جذاب دین حقیقی را برای نسل جوان تبیین نمایند و درجهت معرفت بخشی و آشنایی هرچه بیشتر جوانان تلاش نمایند و متأسفانه گاه کج سلیقه گی ها در بیان معارف والای دینی نیز یکی از عوامل گریز جوانان و ترغیب آنان به گرایش هایی می شوند که در ظاهر بیشتر به نیازها و علایق آنان توجه دارد و شوق و اقبال فراوانی برای پذیرفته شدن در جوان ایجاد می کنند. در این میان سرخوردگی از ادیان بزرگ مثل مسیحیت یا تبلیغات سوء و ارائه نادرست معارف دینی مثلاً درباره اسلام، زمینه ساز استقبال گروهی از مردم از معنویت های نوظهور شده است. البته در این بین رفتارهای نادرست برخی از روحانیون هم تأثیر زیادی دارد.

در این شرایط ضعف معرفت و سستی ایمان باعث شد که پیروان یک دین به تلفیقی از دو یا چند دین دست بزنند و ادیان ساختگی را به وجود آورند. همین پدیده گاهی به این جا می رسید که باورها و مناسک ادیان را کنار گذاشته و به یک حس درونی و خیال خوش از معنویت راضی می شدند و جنبشی صرفاً معنوی پدید می آوردند. اتفاقاً این نوع دوم بسیار بیشتر طرفدار پیدا کرد و از این رو بیشتر این جریان ها در حدی نیستند که آنها را بتوان دین نامید. بلکه رویکردی معنوی به جهان، انسان و زندگی دارند

عدم ارائه صحیح دین مبین اسلام و عرفان نشأت گرفته از آن، به جوانانی که دیدگاههای علمی در آنها نهادینه شده است؛ و همین مسئله میدان را برای تکتازی گروههای فکری معنویت گرا و دیگر فرقه ها باز گذاشته و نسل جوان امروز را ناخودآگاه به سمت آنها سوق می دهد. در حالی که به علت بیان نکردن مبانی دین، حتی از اولیات اسلام بی اطلاع هستند.

2-9 - سخت گیری دین

ما دینی است که احکام و دستوراتش برسهل و آسانی گذاشته شده است، و تکالیف آن به نسبت سن، صحت بدن، میزان درآمد، علم به احکام و ... متغیر بوده و اجباری برای یک شکل بودن آنها نیست، برای مثال؛ نماز واجب است، و مطمئناً وقت زیادی در 24 ساعت از نماز گذار نمی گیرد، اما همین نماز برای پسر 13 ساله واجب نیست، برای کسی که نمی تواند ایستاده بخواند فرمودند نشسته بخواند، اگر باز هم نمی تواند خوابیده بخواند و ...، این موارد همه دلیل بر سخت گیری نکردن اسلام است، که متأسفانه برخی آن را سخت جلوه داده و یا سخت می دانند بی آنکه شناخت درستی از آن داشته باشند.

در دین ما برای رسیدن به مقامات و معنویات، نیازی به روی گرداندن از دنیا و ترک لذات آن نیست، بلکه میتوان در عین اینکه از نعمات مادی خداوند بهره مند میشوی، به مقامات عرفانی رسید، همانگونه که رسول گرامی اسلام در خطاب به مردم مدینه فرمودند: چرا برخی از اصحاب من از خوردن گوشت و استعمال بوی خوش و ارتباط با همسرانشان اجتناب می کنند، همانا من خودم هم گوشت می خورم و هم بوی خوش استعمال می کنم و هم با

همسرانم ارتباط دارم، و هر کس از سنت من روی گرداند از من نیست.) الفروع من الکافی، کلینی، کتاب النکاح، حدیث 5، ص 496؛ اما متأسفانه گاهی به جای بیان دیدگاه‌های خالص دین، عده‌ای چهره‌ای خشک از دین را به نمایش می‌گذارند که جوان امروزی به خاطر لطافت طبع خود، حاضر به پذیرش چنین دینی نیست و به همین خاطر به سوی عرفان‌های نو ظهور ترغیب می‌شود؛ این باعث شده است که عرفان‌های دروغین به راحتی با انسان امروز حرف بزنند و ادیبانشان را به او تحمیل کنند؛ مثلاً ما هیچ وقت تأثیرات عرفان را در شاد زیستن بیان نکردیم، به همین دلیل عرفان‌های دروغین توانسته‌اند جای عرفان راستین را در برقراری ارتباط با مردم بگیرند؛ و یا به احادیثی در مورد رسیدن به آرزو‌ها عنایت زیادی نشده است؛ حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «من اخلصَ بلغ الآمال» کسی که اخلاص بورزد به آرزوهایش میرسد (آمدی، 1381، غرر الحکم، حدیث 7675).

دین ما دینی است که احکام و دستوراتش برسهل و آسانی گذاشته شده است، و تکالیف آن به نسبت سن، صحت بدن، میزان درآمد، علم به احکام و ... متغیر بوده و اجباری برای یک شکل بودن آنها نیست، برای مثال؛ نماز واجب است، و مطمئناً وقت زیادی در 24 ساعت از نماز گذار نمی‌گیرد، اما همین نماز برای پسر 13 ساله واجب نیست، برای کسی که نمی‌تواند ایستاده بخواند فرمودند نشسته بخواند، اگر باز هم نمی‌تواند خوابیده بخواند و ...، این موارد همه دلیل بر سخت‌گیری نکردن اسلام است، که متأسفانه برخی آن را سخت جلوه داده و یا سخت می‌دانند بی‌آنکه شناخت درستی از آن داشته باشند.

یکی دیگر از جنبه‌های ایجاد ضعف در دین، عالمان بی‌عمل هستند، که خود به دستورات گفته شده عمل نمی‌کنند و این خود باعث بدبین شدن به دین می‌شود. امروزه از رادیو و تلویزیون و جراید گوناگون افرادی مختلف به ترویج اسلام و عرفان می‌پردازند، که اشتباهات این افراد در محیط اجتماع عمداً یا سهواً، مردم را از ایشان و مطالب ارائه شده ایشان دور می‌سازد و به عرفان‌های نو ظهور ترغیب می‌نماید.

3-9 عالمان بی‌عمل

یکی دیگر از جنبه‌های ایجاد ضعف، عالمان بی‌عمل هستند، که خود به دستورات گفته شده عمل نمی‌کنند و این خود باعث بدبین شدن به دین می‌شود. امروزه از رادیو و تلویزیون و جراید گوناگون افرادی مختلف به ترویج اسلام و عرفان می‌پردازند، که اشتباهات این افراد در محیط اجتماع عمداً یا سهواً، مردم را از ایشان و مطالب ارائه شده ایشان دور می‌سازد.

یکی دیگر از جنبه‌های ایجاد ضعف در دین، عالمان بی‌عمل هستند، که خود به دستورات گفته شده عمل نمی‌کنند و این خود باعث بدبین شدن به دین می‌شود. امروزه از رادیو و تلویزیون و جراید گوناگون افرادی مختلف به ترویج اسلام و عرفان می‌پردازند، که اشتباهات این افراد در محیط اجتماع عمداً یا سهواً، مردم را از ایشان و مطالب ارائه شده ایشان دور می‌سازد و به سمت عرفان‌های نو ظهور ترغیب می‌کنند

وظیفه اصلی مبلغین دین اسلام برگرداندن میراث علمی و فرهنگی اسلام به زبان روز، و پیاده کردن همه آن مفاهیم عالی از طریق زبان "عصری" در روح و جان و عقل نسل کنونی است

4-9 سخت‌گویی

هر عصری ویژگیها، ضرورتها، و تقاضاهایی دارد، که از دگرگون شدن وضع زمان و پیدا شدن مسائل جدید و مفاهیم تازه در عرصه زندگی سرچشمه می گیرد. همچنین هر عصری مشکلات و پیچیدگیها و گرفتاریهای مخصوص به خود دارد که آن نیز از دگرگونی اجتماعات و فرهنگها که لازمه تحول زندگی و گذشت زمان است می باشد. وظیفه اصلی مبلغین دین اسلام برگرداندن میراث علمی و فرهنگی اسلام به زبان روز، و پیاده کردن همه آن مفاهیم عالی از طریق زبان "عصری" در روح و جان و عقل نسل کنونی است. طبیعی است که بر نگرداندن این مطالب به زبان روز باعث می شود جوانان به تدریج از آن زده شود و رو به سوی مکاتبی بیاورند که با آن ارتباط بهتر عمل کنند چه زیبا فرمود آن پیشوای راستین: «آن کس که از وضع زمان خود آگاه است مورد هجوم اشتباهات قرار نمی گیرد» حدیث معروفی که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده «العالم بزمانه لاتهجم علیه اللوابس» (کلینی، 1365، ج 1، ص 26).

5-9- عملیاتی نکردن مفاهیم دین در زندگی

اگر اعمال و اذکار دین را بتوان با زندگی امروزی مردم گره زد، و دین را در بطن زندگی آنها نشان داد، مطمئناً پذیرش آموزه های دین برای همگان آسان و لذت بخش خواهد شد. همچنین دادن دستوراتی کاربردی در زندگی مردم، که مانع دور شدن آنها از خدا و آموزه های دینی شود.

امام صادق علیه السلام - در پاسخ به این سؤال که چرا نماز با آن که مردم را از کار و رسیدن به مشکلات و نیازهایشان باز می دارد و باعث زحمت و رنج جسمی آنهاست، واجب گردید - فرمود: چون اگر فقط به آمدن دین و وجود کتاب (قرآن) در میان مردم اکتفا می شد، و عاملی نمی بود که یاد و خاطره پیامبر را در میانشان نگه دارد، به همان سرنوشت پیروان ادیان پیشین دچار می شدند. آنها نیز برای خود دینی و کتابی داشتند و عده ای را به سوی آیین خود فرا خواندند و در راه آن با آنان جنگیدند، اما با رفتن آنها، دین و آیینشان هم کهنه شد و از بین رفت. خداوند تبارک و تعالی چنین خواست که مسلمانان نام و یاد محمد صلی الله علیه وآله، و دین او را از یاد نبرند؛ از این رو، نماز را بر ایشان واجب فرمود، تا روزی پنج مرتبه به یاد او باشند و نامش را به زبان آورند، و آنان با نماز و یاد خدا سر بندگی فرود آورند، تا مبادا از یاد خدا غافل شوند و فراموشش کنند و در نتیجه یاد و نامش محو شود (ری شهری، 1385: 283). پس با این بیان روشن میشود که یک دلیل مهم در ترغیب جوانان به عرفان های نوظهور، عدم تبیین درست و معرفت دهی جوانان نسبت به دین حقیقی و عرفانی است که با آن ممزوج است.

هر عصری ویژگیها، ضرورتها، و تقاضاهایی دارد، که از دگرگون شدن وضع زمان و پیدا شدن مسائل جدید و مفاهیم تازه در عرصه زندگی سرچشمه می گیرد.

همچنین هر عصری مشکلات و پیچیدگیها و گرفتاریهای مخصوص بخود دارد که آن نیز از دگرگونی اجتماعات و فرهنگها که لازمه تحول زندگی و گذشت زمان است می باشد.

وظیفه اصلی مبلغین دین اسلام برگرداندن میراث علمی و فرهنگی اسلام به زبان روز، و پیاده کردن همه آن مفاهیم عالی از طریق زبان "عصری" در روح و جان و عقل نسل کنونی است.

چه زیبا فرمود آن پیشوای راستین: «آن کس که از وضع زمان خود آگاه است مورد هجوم اشتباهات قرار نمی‌گیرد» (مضمون حدیث معروفی که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس».)
بهتر است دین اینگونه بیان شود:

- به زبان ساده و رسا باشد، اما سست نباشد.
- از اصطلاحات فنی علوم که باعث مشکل شدن فهم دین است دور باشد.
- به مطالبی که راهگشای زندگی و قابل عرضه در جامعه مسلمین، بلکه قابل ترجمه و انتقال به تمام جوامع انسانی بوده و به راستی «هُدًى لِلنَّاسِ» و «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» باشد پرداخته شود، چه آنکه مطالب قرآن و دین محصور به عصر و زمان معین و یا فرد و جمعیت معینی نیست.
- برداشت از آیات و احادیث از راه دلالت آیات باشد و متکی بر تفسیر به رأی و استحسان‌های دلخواه و روایات ضعیفه نباشد.
- روایات معتبره وارده از اهل بیت علیهم السلام که یکی از ثقلین کتاب الله و عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند و رجوع به آنها بر حسب دستور رسول اکرم صلی الله علیه و آله لازم است باید مورد نظر باشد.
- همچنین دادن دستوراتی کاربردی در زندگی مردم، که مانع دور شدن آنها از خدا و آموزه های دینی شود.

10- تبلیغات گسترده گروه های معنویت گرا

گروه های مختلف معنویت گرا در گوشه و کنار جهان و با استفاده از رسانه هایی چون ماهواره، اینترنت و... دست به تبلیغ می زنند. مسیحیت، ادیان بودایی و معنوی و گروه های معنویت گرای آفریقایی و آمریکایی و غیره مشغول تبلیغات گسترده هستند و رسانه های نوظهور و بالاتر رفتن سطح سواد مردم و افزایش امکانات ارتباطی امکان بیشتری را برای تبلیغات فراهم کرده است. می دانیم در بیان ادیان رسمی و مشهور، یهودیت شاید تنها دینی باشد که در طول تاریخ هیچ تبلیغی نداشته است؛ چرا که خود را دینی نژادی و مخصوص قوم اسرائیل می داند؛ اما الان با استفاده از شگردهای تبلیغاتی در معرفی عرفان یهودی که با نام عرفان کابالا یا قبالا نیز خوانده می شود، تلاش می کنند بدیهی است این نوع تبلیغات نیز در جذب جوانان به سوی عرفان های نوظهور تاثیر به سزایی خواهد داشت

11- مسائل سیاسی

بسیاری از کشورهای مستکبر جهان با سوء استفاده از این جریان های انحرافی، به دنبال رسیدن به اهداف خود در کشورهای مختلف جهان هستند، شاید حتی بعضی از این گروه ها نیز با سیاست خود آنان به وجود آمده باشند. بخش عمده ای از دلیل گرایش برخی از جوانان در ایران نیز به فرقه های نوظهور، فعالیت گسترده سیاسی دشمنان دین اسلام است. به این ترتیب که با بد نشان دادن حکومت حاکم بر کشورها و از آن جا که حکومت و سیاست با مذهب در اسلام رابطه تنگاتنگ دارد لذا با بدنشان دادن حکومت مذهب را تضعیف کرده و سپس به معرفی عرفان های نوظهور و جذب جوانان می پردازند

12- ظواهر و شعارهای فریبنده

12-1- عدم صراحت بیان و مبهم گویی

در نگاهی به عرفانهای نوظهور شما متوجه می شوید که نوعی عدم صراحت و شفافیت در آنها وجود دارد و تلاش شده است با ایجاد هاله ای از ابهام امکان پنهان کردن خطاها زیر غبار آن و همچنین امکان برداشت های مختلف از کلام آنها را ایجاد کنند؛ نمونه ای از این مورد را کلام ام. رام الله که رهبر فرقه رام الله در ایران است برای شما نقل می کنم:

س: آیا عیسی مسیح مصلوب شد؟ برخی می گویند شد و برخی بر این اعتقادند که نشد؟

ج: عیسی مصلوب شد، اما مسیح(ع) نشد.

س: حضرت عیسی چگونه؟ آیا حضرت عیسی مصلوب نشد؟

ج: حضرتش مصلوب شد، اما عیسی نشد.

س: عیسی چه طور؟ آیا عیسی مصلوب شد؟

ج: عیسی به تنهایی هرگز وجود نداشت. (رام الله ، 1377 ، ص 755)

بنابراین بیان این نوع ابهامات باعث می شود هم موافقان و هم مخالفان یک نظریه جذب این نوع مکاتب عرفانی گردند.

2-12- توجه به دیگران

در برخی از این عرفان ها بر توجه به دیگران تأکید شده است، برای نمونه سای بابا که از عرفان های نوظهور فعال در ایران است، بر این مورد تأکید فراوان دارد و آنها با ساختن صدها کلینیک و بیمارستان در هند، اروپا و آمریکا به بیماران و آسیب دیدگان به صورت مجانی کمک می کنند و آنها هر هفته به تهیدستان خوراک و پوشاک می دهند، این کار باعث می شود تا این فرقه، به عنوان یک فرقه انسان دوست و مردم مدار معرفی شود و باعث جذب انواع سلیقه ها، مخصوصاً جوانان در این فرقه می شود.

3-12- تحقیر و نفی تفکر

تفکر در تعدادی از آنها کم رنگ شده و حتی گاهی به نفی و تحقیر فکر و ذهن می پردازند، گاهی حرکت برخی از آنها به سمت تقابل با علم و تکنولوژی می رود؛ مثلاً از آنجا که ذهن در مکتب اشو جایگاه منفی دارد، اشو به نقد فلسفه، علم و تکنولوژی می پردازد؛ او درباره فلسفه اعتقاد دارد که فلسفه ذهن را خیلی راضی می کند؛ فیلسوفان خیلی فکر می کنند؛ آنها عمرشان را با فکر کردن هدر می دهند بدون اینکه مطلقاً کاری انجام دهند. اشو همچنین به نقد علم و تکنولوژی مبادرت می کند؛ او می گوید: انسان متمدن همیشه در حال دیوانگی است. زمین اکنون یک دیوانه خانه بزرگ شده است و این خاصیت تمدن و تکنولوژی است(اشو ، 1385 : 9 ؛ همو، 1382 ، ص 83).

او جایی در مورد عقل می گوید: عقل را فراموش کن و بگذار عشق مرکز تو، آماج تو باشد. هر ناکامی می تواند به کامیابی مبدل شود، هر احتمال شکستی برای عقل، می تواند به توفیقی برای دل بدل گردد(اشو، 1380 ، ص 76).
همچنین سای بابا در موردی توصیه می کند که انسان مبتلا به استدلالات در باب خدا نشود که اینها با عشق سازگار نیست و عبادت اهمیتی به آن نمی دهد(سای بابا، بی تا ، ص 23).

توئیچل در عرفان اکنکار نیز به فلسفه حمله می کند و در تفکراتش است که فلسفه انسان را غرق در وعده ها می کند. فلسفه انسان را درواقع شستشوی مغزی می دهد. "سیستم های ماوراء الطبیعه برای انسان استفاده ندارد؛ زیرا که تنها به تسلی انسان دل خوش کرده اند. آنچه که آنها درباره جهان وهستی می گویند، از نظر روح هیچ معنایی ندارد؛ بنابراین افکار مذهب و سیستم های فلسفی و متافیزیکی، فردیت و روح انسان را می بلعند و انسان را در مسایل و رنج های مادی زندگی رهامی کنند(البته خود توئیچل با صراحت از فلسفه اکنکار، خردگرایی، بنیان های اخلاقی، متافیزیک، هستی شناسی و چنان که دیدیم فلسفه هیچ چیز، سخن به میان آورده است)(فعالی، 1390، ص 642 و 742). این طرز تفکر باعث می شود که جوان، کم کم به سوی عدم تعقل و بی فکری منحرف شود و کاملاً تابع احساسات گردد، تا جایی که هیچ ارزشی برای سخنان حکیمانه و پربار قائل نشود و و این انحراف فکری روز به روز افزایش می یابد.

13- مشکلات خانوادگی

جوانانی که با مشکلاتی در خانواده روبرو شده و به طریقی از آن دور می شوند، به دنبال راهی برای پر کردن این خلع بزرگ می گردند، چرا که سرخوردگی در خانواده، نه اجازه بازگشت به آنان را می دهد و نه جوان می تواند با این کمبود، کنار بیاید؛ از آنجا که در برخی از تعلیمات نو ظهور، بنیاد خانواده به کلی نفی شده، جوان سرخورده امروزی به دامن این نوع عرفان ها پناهنده میشود، و با نفی اصل آن دیگر برای خود دغدغه و پریشانی فکری باقی نمی گذارد تا بخواهد با این خلع کنار بیاید. خانواده از مهمترین بخش زندگی افراد است مکانی که در آن زن و شوهر در کنار یکدیگر به آرامش رسیده و کانونی گرم برای تربیت نسل آینده فراهم میکنند؛

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَعَلَّ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَحَمَةً (سوره روم، آیه 21)» «و از نشانه های او اینست که همسرانی از جنس خود شما برای شما آفرید، تا در کنار آنها آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد».

جالب اینکه قرآن در این آیه هدف ازدواج را سکونت و آرامش قرار داده است، و با تعبیر پر معنی "لتسكنوا" مسائل بسیاری را بیان کرده و نظیر این تعبیر در آیه 189 سوره اعراف نیز آمده است (مکارم شیرازی، بی تا، ص 392).

به راستی وجود همسران با این ویژگی ها برای انسان ها که مایه آرامش زندگی آنها است، یکی از مواهب بزرگ الهی محسوب می شود و برای فرزندان نیز خانواده یک منبع بزرگ بالقوه و بالفعل انرژی است، که از آرامش درون آن ایجاد شده است. با این وجود مکاتب نو ظهور، کاملاً عکس این موهبت را تبلیغ می کنند، و آرامش را در بی خانوادگی، برای جوان تبیین می کنند.

علت دوم پیدایش معنویت های نو ظهور و گرایش به آنها بحران های فردی و اجتماعی است که زندگی امروزی را در تنگنا قرار داده است. افسردگی فزاینده، اضطراب ها و نگرانی های آزاردهنده، عشق های و پیوندهای سست و ناپایدار، ناتوانی افراد در برقراری روابط اجتماعی مؤثر و موفق و بسیاری از مشکلات دیگر باعث شده است که انسان ها به جستجوی پناهگاهی معنوی، ساعتی آرامش و عشق و شادمانی روی آورند. برخی از معنویت های نو ظهور راه هایی هستند که برای این جستجو پیشنهاد شده است و معلوم نیست که تا چه اندازه موفق خواهند بود. بحران های فردی و اجتماعی علت پیدایش جنبش های معنوی نو ظهور است و وعده های زیبایی که در این فرقه ها مطرح می شود علت

گرایش به آنهاست. اما مشکل این است که اگر آنها آرامشی هم ایجاد می کنند ، آرامشی عمیق و روحانی که اعماق وجود انسان را فراگیرد نیست، بلکه آرامشی است که به اعصاب و عضلات مربوط می شود و بر مبنای درک کامل و عمیق وجود انسان استوار نیست.

14 - دوستان ناباب

گروه همسالان و دوستان الگوهای مورد قبول یک فرد در شیوه گفتار، کردار، رفتار و منش هستند. فرد برای اینکه مقبول جمع دوستان و همسالان افتد و با آنان ارتباط و معاشرت داشته باشد، ناگزیر از پذیرش هنجارها و ارزش های آنان است. در غیر این صورت، از آن جمع طرد می شود. به همین خاطر، اگر فردی با گروهی از افرادی که در این نوع فرقه ها حضور دارند رابطه برقرار کند و با آنان دوست شود، به تدریج تحت تأثیر رفتار آنان قرار می گیرد و مانند آن ها می شود؛ چون ملاک پذیرش و قبول فرد توسط یک گروه و جمع، پذیرفتن فرهنگ آن هاست.

در سخنان پیامبرگرامی (صلی الله علیه وآله) آمده است: «المرء علی دین اخیه»، هر انسانی بر شیوه و طریقه دوست و رفیق خود زندگی می کند (کلینی، اصول کافی، کتاب «الایمان و الکفر مجالس اهل المعاضی»، ذیل حدیث 3). و نیز حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می فرماید: «مجالس اهل الهوی منسأ للایمان و محضره للشیطان». «همنشینی با هواپرستان ایمان را به دست فراموشی می سپارد و شیطان را حاضر می کند (نهج البلاغه، خ 86).

15 . مشکلات مالی

به علت وعده های دروغین سرکرده های این مکاتب، عده ای از افرادی که مشکل مالی دارند و در پاره ای موارد دارای مشکلات عقیدتی نیز هستند به این فرقه ها، گرایش می یابند.

عامل فقر و مشکلات معیشتی و اقتصادی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. عدم بضاعت مالی مکفی خانواده ها و ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای طبیعی و ضروری مانند: فراهم ساختن امکان ادامه تحصیل حتی در مقطع متوسطه، تأمین پوشاک مناسب، متنوع و متناسب با سلیقه و روحیه آنان و... زمینه ساز بروز دل زدگی، سرخوردگی، ناراحتی های روحی، دل مشغولی، افسردگی و انزوایی را در فرزندان فراهم می سازد، این امر موجب می شود تا این افراد برای التیام ناراحتی های ناشی از مشکلات خود از طریق مستقیم و یا غیرمستقیم، به اقداماتی دست بزنند و خود درصدد حل مشکل خویش برآیند، در نتیجه، بسیاری از این افراد برای رهایی از بند گرفتاری ها، و نیز فریب بعضی از فرقه های انحرافی در دام آنان گرفتار می شوند.

16. غرب زدگی و خود باختگی

این امر معمولاً در مورد کسانی رخ می دهد که با فرهنگ غرب بیش از دیگران مأنوس بوده و نیز از لحاظ روانی از ثبات شخصیت و خود باوری بسیار کمتری برخوردارند و باعث می شود که بعضی از امور غربی بدون آنکه شرایط آن در

جامعه وجود داشته باشد و مورد نیاز جامعه ما باشد تنها به دلیل پیروی از تمدن غرب و خودباختگی برای این گونه افراد مورد پذیرش آن ها واقع شود.

17. تجدد

یکی از علل گرایش مردم به عرفان های جدید سبک زندگی (الگو یا مجموعه کنش های مرجع یا رفتارهای ترجیحی) امروزی بشر است، در واقع رویکردی که در زندگی مردم دیده میشود، رفتن به سمت و سوی یک زندگی جدید و جدای از سبکهای سنتی گذشته است .

در جهان امروز یکی از راههای انتقال عقیده و فکر این است که ابتدا رفتاری متناسب با آن فکر را در جامعه ای درست کرده و رواج دهند، آن هم با عوض کردن شکل و سبک زندگی مردم آن منطقه با استفاده از وارد کردن لوازم جدید و جذاب که لازمه شکلی جدید از زندگی است و به دنبال آن کم کم خود مردم به راحتی تفکرات و عقایدی را که متناسب با سبک زندگیشان است را به راحتی بپذیرا می شوند و این همان تهاجم خاموش است که دیگر نیازی به زور و اسلحه نیست تا عقیده و رفتار گروهی را تغییر داده و به شکل دلخواه درآورند.

این جنبشهای نو پدید که ادعای رساندن به معنویت در کمترین زمان را دارند کاملاً با این سبک زندگی همخوانی دارند، آنهم زندگی که همه چیز را جدید، آماده و سریع میخواهد، برای رسیدن به معنویت و عرفان هم به دنبال راهی ساده، جدید و سریع میگردد و مدعیان این راه، همین عرفان های جدید هستند.

18- عرضه در زمان مناسب عرفان های نوظهور

اطلاع دقیق از زمان مناسب انتقال هر مفهومی میتواند کمک بسزایی در درست منتقل شدن مبانی دین کند. بنابراین دقت در انتخاب زمان مناسب برای آگاهی بخشی دینی توسط مبلغین بسیار پر اهمیت است چرا که کوتاهی در آن نه تنها ممکن است باعث تنفر جوانان از دین بلکه در نهایت موجب ترغیب آن ها به عرفان های نوظهور میشود

19- عرضه در مکان مناسب عرفان های نوظهور

گاهی اوقات به خاطر انتخاب زمان نامناسب برای انتقال مفاهیم دینی، ضمن شکست در انتقال آموزه های دینی، مخاطب را نسبت به آن آموزه ها بدبین می کنیم.

20- سرخوردگی از عقلانیت و علم مدرن

بشر گمان کرد که علم جدید حلال همه مشکلات و دغدغه های اوست و آینده درخشانی درانتظار اومی باشد. و این اندیشه ها تا جایی پیش رفت که هرگونه تلاشی خارج از چهارچوب علم تجربی را تحقیر کرد و خرافه دانست و علم را منحصر درچارچوب علم و عقل مدرن تعریف کرد وماوراء ماده را انکار نمود. او نه تنها مفاهیم الاهیاتی و مابعد الطبیعی بلکه مفاهیم اخلاقی را نیزمفاهیمی غیر علمی و در نتیجه بی معنا تلقی می کرد. به هرحال، با گذر زمان وقوع جنگها و فجایع بزرگ بشر متوجه شدکه با صرف این علم نمی توان به آرامش و سعادت واقعی رسید و صحبتهای فراوانی مانند

، از خود بیگانگی، استبداد نوین و تحمیق انسانها و به گوش رسید . به همین رو برای کسب آرامش به عرفان های نوظهور رو آوردند

21- اثبات نادرستی فلسفه های معنویت ستیز

در جهان مدرن فلسفه های جدید در معنا دهی و نظم بخشی به جهان مدرن دچار بحران و ناکارآمدی شدند و عدم کارایی خود را به اثبات رساندند. به عنوان نمونه امکان ایجاد جامعه ای اخلاقی با احترام متقابل و بیان فلسفه اخلاق در این فلسفه مدرن با شکست روبه رشد و جنگ ها و ظلم ها به گونه ای دیگر نمود پیدا کرد.

22- شکست نظام های معنویت ستیز

علاوه بر فلسفه های معنویت ستیز، نظام های برآمده از آن نیز با شکست روبه رو شدند. مانند شکست کمونیسم و مارکسیسم که یکی از شاخصه های آن معنویت ستیزی و دین گریزی بود. نهایتاً این نظام از دهه هشتاد قرن بیستم به طور رسمی ناکارآمدی و در نتیجه مرگ خود را اعلام کرد. افزون بر این، درکشورهایی که هنوز به طور رسمی این نظام حاکمیت دارند، همچون چین و کوبا، دیگر آن مخالفت های شدید و خشن با دین و معرفت دیده نمی شود. بلکه به گونه ای می کوشند، تا نوعی معنویت هم سنخ با ماده گرایی را رواج دهند. به همین دلیل با معنویت های بودایی و هندی و سرخ پوستی و معنویت سکولار نه تنها مخالفت نمی کنند که خود به ترویج چنین و معرفت هایی دست می زنند. جالب است که فیدل کاسترو، رهبر نظام کمونیستی کوبا، درباره پایان مدت رهبری اش می گوید: تا وقتی که خدا بخواهد اداره کشور را در دست خواهم داشت. ابتدا خواست و اراده خدا و پس از آن خواست و اراده مردم بالاتر از هر چیزی است (حاجتی ، 1381 ، ص ۶۲ ؛ به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی ۷۷/۶/۱۱)

23 - عدم معرفی شدن دین های کهن به صورت به روز و متناسب با شرایط جدید

با تغییرات شگرفی که در بعد از رنسانس و جهان مدرن معاصر اتفاق افتاده است عدم معرفی دین های کهن به صورت به روز باعث گرایش به ادیان نوظهور گشته است، تا شاید عطش حقیقت خواهی خود را از جایی دیگر سیراب کنند حتی اگر این تلاش در مسیر سرابی بیش نباشد و چشمه حیات در پشت لایه هایی از غبار پنهان باشد.

24 - افزایش تحیر بشر

با افزایش سطح ارتباطات و آگاهی عمومی تحیر بشر درباره جهان نیز بیشتر شده است. زیرا با سؤالاتی روبه رو می شود که جواب آنها را با علم مرسوم نمی تواند بیابد. مثلاً پیش گویی هایی که می بیند که به حقیقت مبدل می شود. کرامات و خرق عادت هایی را به عینه توسط رسانه های گوناگون مشاهده می کند و این تحیر موتور محرکه فرد برای دستیابی به آن و یا حداقل آگاهی از علل آن است و در این سطح ارتباطات وسیع دیگر به راحتی نمی توان ماوراء ماده را انکار کرد و آن را به خرافات و توهمات نسبت داد .

25 - ترس از آینده

روند پیشرفته بشر در دو سه قرن اخیر و رشد روزافزون عقلانیت و ماشینیزاسیون و به دست آمدن فراوان قدرت در دست سیاستمداران بدون تعهد باعث ترس بشر از آینده پیش روست که نمونه آن را در فیلم های هالیوودی که در آن

بشر در تسلط ربات ها یا افراد قدرت طلب و سودپرست قرار می گیرد می توان دید. ترس از جنگ اتمی، ترس از نابودی محیط زیست، ترس از مسخ انسانها توسط ابزارهایی به صورت ناخودآگاه همه از ترس هایی است که بشر را به سمت معنویت سوق می دهد .

26- افزایش فراغت

بشر جهان مدرن غرب دیگر از آن تلاش ها فقط برای زندگی که در قرن اخیر بیشتر با آن سروکار داشت رها شده است و اکنون زمان بیشتری دارد که به اموری غیرمادی با دقت بیشتر بنگرد .
با توجه به آمار ساعات کار و افزایش حقوق و مزایا و بیمه و غیره بشر جدید غربی راحتی و رفاه بیشتر و اوقات فراغت بیشتری دارد تا به اموری مانند دین به صورت اساسی تر بیندیشد. تازه با افزایش رشد ماشینزاسیون و تکنولوژی ممکن است این آمار بهتر هم بشود. اما آیا این راحتی مادی بشر برای تسکین آلام اساسی انسان کافی است؟ پاسخ خیر است و انسان مرفه که از گردش و راحتی مادی خسته شده دنبال حقیقتی است تا او را سیراب کند.

27- افزایش تنوع طلبی

یکی از ارزش هایی که در جهان مدرن تبلیغ می شود تنوع خواهی است .تنوع موتور محرکه صنایع غرب است و عدم رسیدن انسان به قناعت و زیاده خواهی و تنوع طلبی موجب خرید بیشتر آنها می شود. حال اگر این تنوع تحریک شده از سوی رسانه ها و کارخانه ها و... با ابزار مادی ارضا نشود جواب خود را سعی می کند در ماوراء ماده بگیرد و روح جستجوگر و تنوع طلب خود را در ماوراء و تجربه کردن معنویت ها و عرفانی های گوناگون ارضا کند.

28- بی عدالتی جهانی است

جهان جدید بسیار ناعادلانه تر به نظر می رسد تا گذشته و درحالی که بسیاری از مردم جهان در فقر به سر می برند و دچار سوءتغذیه هستند کشورهای غربی دچار ریخت و پاش و اسرافند. همچنین سیستم کاپیتالیسم باعث انباشت قدرت و ثروت در دستان اقلیتی شده است که تاریخ و جهان را به خواست خود اداره می کنند. این اختلاف شدید روح انسان معاصر را به حرکت در می آورد تا یک جور این بی عدالتی و شکاف را به صورت درونی (پذیرش) یا بیرونی (با مبارزه) حل کند به آمارهایی که در این زمینه ارائه می شود توجه بفرمایید :

درآمد ۴۰۰ نفر از ثروتمندان آمریکا در طول یک سال برابر با مجموع درآمدهای سالانه بیست کشور آفریقایی با جمعیتی بالغ بر ۳۰۰ میلیون نفر است .بی عدالتی درجهان روند فزاینده خود را ادامه می دهد. طبق محاسباتی که اقتصاددانان برپایه داده های صندوق بین المللی پول انجام داده اند. در آمد ۱۰٪ از ثروتمندترین مردم دنیا، ۱۱۷ برابر درآمد ۱۰٪ از فقیرترین مردم جهان است. این در حالی است که این نسبت در سال ۱۹۸۰، حدود ۷۹ برابر بوده است (ویسمن، رابرت ، مقاله رشد حیرت انگیز بی عدالتی در جهان، مجله سیاحت غرب ، 1384)

البته آمار اخیر ارائه شده توسط بانک جهانی نیز به این مورد اشاره می کند: در سطح جهان ۱٪ از جمعیت دنیا با بیشترین درآمد، ۹/۵ درصد کل درآمد دنیا و بیش از کل درآمد ۵۰٪ انتهای جدول افراد را دارا بوده اند. همچنین در سال ۱۹۹۳ میلادی، ۵٪ افراد صدرنشین جدول توزیع درآمد، ۷۵٪ کل درآمد مردم دنیا را در اختیار داشته اند. ^۱ و از

1 - بلامی فوستر، جان، بازگشت امپریالیسم ، به نقل از سایت

<http://tech.groups.yahoo.com/group/blacklord/message/993?var=1>

آنجا که میان دین و حکومت ارتباط وجود دارد باعث شده است در میان آن ها که از حکومت ناراضی هستند گرایشی به سمت ادیان نوظهور ایجاد گردد .

29- فرهنگ غرب زدگی:

که این امر باعث می شود که بعضی از امور غربی بدون آنکه شرایط آن در جامعه وجود داشته باشد و مورد نیاز جامعه ما باشد تنها به دلیل پیروی از تمدن غرب و خودباختگی در مقابل آنها وجود داشته باشند . یکی از علل مهم دیگر به نظر این است که با توجه به این که در جامعه ایران دین نقش بسیار مهمی در سطح فردی و اجتماعی دارد فردی که خود را نمی تواند با دین جامعه یکسان کند و آن را نمی پذیرد برای جبران این خلأ و همرنگ شدن با دیگر روی به عرفان های نوظهور می آورد .

نتیجه گیری :

در این مقاله سعی شد تا عوامل مختلفی را که باعث جذب جوانان به سوی عرفان های نوظهور می گردد را بررسی کرده تا راه برای دفاع و مقابله با این راهکارهای دشمن فراهم گردد برای به دام نیفتادن در این نوع دام ها به دو گونه راهکار نیازمندیم یکی راهکارهای فردی که هر فرد و هر جوانی باید خود در زندگی خود پیاده کند مانند آن که باید در انتخاب دوست دقت کند ، فریب تبلیغات دروغین و توخالی را نخورد و در هر مورد به درستی از افراد با علم تحقیق کند ، مسایل سیاسی ، اقتصادی ، مشکلات خانوادگی و ... نتواند او را از پا در آورد... بنابراین از جوانان انتظار می رود بعد از آشنایی آن ها با این عوامل ، در جهت رفع نیازها و کمبود های خود در چارچوب معارف اسلام و با پرسش از اساتید و علمای اسلامی بکوشند تا در طریقت حقیقی اسلام پایدار باشند

دومین راهکاری که نیازمندیم راهکار اجتماعی و فرهنگی است بدیهی است که انتظار می رود که متصدیان فرهنگی کشور و علما نیز با خواندن این عوامل و برنامه ریزی مناسب و ارائه راهکارهای متناسب ، راه را برای ظهور و بروز عرفان اسلامی و آشنایی جوانان با مختصات آن باز کنند تا بدین ترتیب خود جوانان از میان عرفان اسلامی و عرفان های نوظهور راه حقیقی را تشخیص دهند¹

منابع و مأخذ

1. قرآن کریم
2. نهج البلاغه
3. سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، جلد 2، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، 1362، تهران

1- منابع جهت مطالعه بیشتر: عوامل و ریشه های دین گریزی از منظر قرآن و حدیث، علی شکوهی، بوستان کتاب قم، 1384 ؛ جنگ پست مدرن : سیاست نوین درگیری، احمد رضا تقاء، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ؛ جوان مسلمان و دنیای متجدد، مرتضی اسعدی-سید حسین نصر، طرح نو، 1376؛ سید محمد کمیل حسینی رستمی، www.kayhannews.ir .

4. شریفی، احمدحسین، درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفانهای کاذب، 1388، قم، صهبای یقین
5. طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، 1369، قم، موسسه اسماعیلیان
6. کوئیلو، پائولو، بریدا، ترجمه آرش حجازی و بهرام جعفری، 1383، تهران، کاروان
7. اشو، الماس های اشو، ترجمه مرجان فرجی، 1380، تهران، فردوس
8. بستان - دزین - رگیا - متشو دالایی لاما، زندگی در راهی بهتر، ترجمه فرامرز جواهری نیا، 1381، تهران
9. کلینی، محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی - کتاب النکاح، 1362، تهران، دارالکتب الاسلامیه
10. آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، 1381، قم، امام عصر (عج)
11. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، جلد 1، 1365، تهران، دارالکتب الاسلامیه
12. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، مترجم حمید رضا شیخی، 1385، قم: دارالحديث
13. حاجتی، میر احمد رضا، عصر امام خمینی (ره)، 1381، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
14. روزنامه جمهوری اسلامی 77/6/11
15. رام الله، مسیح، جریان هدایت الهی، ج 1، 1377، بی جا، بی نا
16. اشو، آواز سکوت، ترجمه میرجواد سیدحسینی، 1385، تهران، هودین
17. اشو، تمثیل عرفانی، ترجمه فلورا دوست محمدیان، 1382، تهران، آویژه
18. اشو، الماس های اشو، ترجمه مرجان فرجی، 1380، تهران، فردوس
19. ساتیا سائی بابا، تعلیمات ساتیا سائی بابا (تعلیمات معنوی 6) ترجمه رؤیا مصاحبی مقدم، بی تا، بی جا، بی نا
20. فعالی، محمد تقی، آفتاب و سایه ها، 1390، تهران، عابد
21. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج 16، بی تا، بی جا، بی نا
22. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، کتاب «الایمان و الکفر مجالس اهل المعاضی»، بی تا، بی جا، بی نا
23. ویسمن، رابرت، رشد حیرت انگیز بی عدالتی در جهان، مجله سیاحت غرب، خرداد 1384، شماره 23
24. Vaezoon.ir
25. <http://tech.groups.yahoo.com/group/blacklord/message/993?var=1>